

### دلالت «افتا به روایات راوی» بروثاقت راوی نزد مفتی و شرایط این دلالت

از دیدگاه آیه الله خویی و آیه الله شبیری همراه با نمونه هایی از تأثیر آن در اختلاف فتوا:

مطالعه موردی «یاسین ضریر»<sup>۱</sup>

سیدعلی دلبری<sup>۲</sup>  
علی میرزائی قصبه<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

#### چکیده

اعتبارسنجی روایات به روش متأخران بر پایه توثیقات خاص و عام استوار است. یکی از این توثیقات عمومی «افتاء و عمل به روایات راوی» یا به تعبیری «تلقی به قبول روایات راوی» است. هدف این نوشته بررسی دیدگاه آیه الله خویی و آیه الله شبیری درباره این توثیق عام به عنوان نشانه ای بروثاقت راوی نزد مفتی است. این مقاله درصدد است از طریق مطالعه کتابخانه ای و با روش توصیفی-تحلیلی به نقش «افتاء» در ارزیابی «یاسین ضریر» و به تبع در فتوای فقهی بپردازد. یافته این پژوهش نشان می دهد مرحوم خویی افتای مطابق روایات را قرینه «اعتماد مفتی به روایات» و یا کاشف از «اعتماد مفتی به راوی» از باب اصالت وثاقت می داند، نه «توثیق مفتی نسبت به راوی». آقای شبیری با شروطی قرینیت افتا بر توثیق را پذیرفته، برخلاف خویی. او از همین راه به وثاقت «یاسین ضریر» نزد «کلینی»، «صدوق»، «طوسی» و ... معتقد شده و بر پایه حجیت خبر عدلین در موضوعات، حجیت اطمینان نوعی و حجیت مطلق ظن قوی در رجال از باب انسداد خود نیز یاسین ضریر را توثیق کرده است. فرجام دیدگاه های پیش گفته، ناهمسوایی در برخی فروع بوده است، از جمله: محدوده طواف، جریان

۱. این مقاله از پایان نامه سطح چهار حوزه علمیه خراسان با عنوان «مقایسه دیدگاه آیه الله خویی با دیدگاه آیه الله شبیری و نجانی پیرامون برخی مبانی رجالی همراه با نمونه هایی از تأثیر آن در اختلاف فتوی» برگرفته شده است.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (dclbari@razavi.ac.ir).

۳. استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان (Ali\_mirzaie\_g@yahoo.com).

استصحاب برای احراز عدم پرداخت دیون متیقن میت.

کلیدواژه‌ها: توثیق عام، افتای به روایات، تلقی به قبول روایات، یاسین ضریب، آیه الله خوبی، آیه الله شبیری.

## ۱. مقدمه

سنت معصومین علیهم السلام از اساسی‌ترین منابع فقه شیعه بوده که روایات پربارترین متون ارائه‌دهنده سنت هستند. اما در نگاه نخست، بسا شمار فراوانی از روایات معصومین علیهم السلام از اساسی‌ترین منابع فقه شیعه بوده که این روایات به عنوان خبر واحد محسوب می‌شوند و از «اطمینان عقلایی لازم» یا «اعتبار شرعی» برای اعتماد در کشف سنت بی‌بهره‌اند. از این رو، «اعتبارسنجی» روایات از دیرباز جزو مهم‌ترین دغدغه‌های فقهای شیعه و دیگر مراجعین بوده و راه‌های گوناگونی برای آن پیموده شده است. این طرق را از نظر روش شناسی می‌توان در دو دسته «قرینه محوری» و «راوی محوری» جای داد.

### ۱-۱. مفهوم شناسی

«راوی محوری» یا به تعبیر شیخ انصاری در مبحث حجیت خبر ثقه «تبیین اجمالی»<sup>۱</sup>، گونه‌ای از اعتبارسنجی است که در آن پژوهشگر با شناخت راوی، در پی اعتباربخشی به میراث به جامانده از او است. «رجال پژوهی» یکی از شاخه‌های پژوهش در «علوم حدیثی» است که لازمه «راوی محوری» به شمار می‌آید و در آن به بررسی احوال و ویژگی‌های راوی که در اعتبار روایت مؤثر است، پرداخته می‌شود.<sup>۲</sup>

«رجال» خود دارای مبانی، اصول و قواعدی است که محقق در بررسی اجتهادی وثاقت و ضعف رجال احادیث از آن بهره می‌برد. این مبانی را «اصول علم رجال» یا «رجال نظری» می‌نامند،<sup>۳</sup> مانند حجیت ظن در رجال، اصالت وثاقت و ...

برخی از قواعد «اصول علم رجال» در حیطه «رویکردشناسی» و «کشف قول رجالی» کاربرد دارند، مانند تصحیح یا درست شماری سند، افتا، اکثار، شیخ اجازه، مشایخ ثقات ثلاث

۱. برخی در استناد به آیه نیا معتقدند. امر به «تبیین» در آیه مطلق بوده و شامل «تبیین تفصیلی» و «تبیین اجمالی» می‌شود.

تبیین تفصیلی به معنای تحصیل یقین یا اطمینان به مروی است و تبیین اجمالی به معنای تحصیل اطمینان به معتمد بودن راوی است. وجه تسمیه به اجمالی نیز از آن جهت است که چون به راوی اعتماد شده است، اجمالاً صحت اخبار او مُتَبَيَّن خواهد بود (فراند الأصول، ج ۱ ص ۲۷۵).

۲. علم درایه، رجال و تراجم، ص ۸؛ استناد در روش شناخت رجال اسناد، ص ۲۶؛ دانش رجال الحدیث، ص ۱۷.

۳. آشنایی با اصول علم رجال، ص ۴۰.

و ... برای روشن شدن «رویکردشناسی» باید گفت: اولاً روشن است هدف پژوهشگر و فقیه از مراجعه به رجال، توثیق یا تضعیف اجتهادی راویان است. ثانیاً یکی از داده‌های پرکاربرد در این مسیر، دیدگاه دیگر رجال‌شناسان درباره راوی است که به آن «قول رجالی» گفته می‌شود. ثالثاً می‌توان از فرآیند کشف «قول رجالی» تعبیر به «رویکردشناسی» نمود؛ چرا که در این فرآیند «رویکرد» و «دیدگاه» یک رجالی نسبت به یک راوی شناسایی می‌شود.

حال آن رجالی که فقیه به دنبال کشف رویکردش است، گاه به دیدگاهش درباره یک راوی تصریح می‌کند که از آن تعبیر به «تنصیص رجالی» می‌شود.<sup>۱</sup> اگر گفتار وی تنها ناظر به یک راوی باشد، «توثیق یا تضعیف خاص» و اگر در قالب عبارتی عام باشد، «توثیق یا تضعیف عام» نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> گاه نیز نگاهش را بازگونکرده است که در این موارد برای کشف رویکردش، برخی نشانه‌ها مانند تصحیح سند، افتا، اکثار و شیخ اجازه مطرح شده‌اند.

از سویی می‌توان نام «نشانه‌های رویکردشناسی» را بر آن‌ها گذاشت؛ زیرا در فرآیند «رویکردشناسی» به کار می‌آیند و از سوی دیگر، «توثیق یا تضعیف عام» به شمار می‌آیند؛ چرا که به سان قاعده‌ای کلی توثیق یا تضعیف را نشان می‌دهند.<sup>۳</sup>

از آن جا که قرینیت این امور در کشف «قول رجالی» یا همان «رویکردشناسی» به طور کامل از سوی همه محققان پذیرفته نشده است، مفهوم قرینیت آن‌ها به یکی از مسائل چالش برانگیز در «رجال نظری» تبدیل شده است. این مسئله باعث شده تا افراد مختلف به اتخاذ مبنا درباره قرینیت این امور بپردازند. هر محقق با توجه به اصول خود، سعی در تبیین این قرینیت دارد و این امر می‌تواند به شکل‌گیری رویکردهای متفاوت در ارزیابی راویان و احادیث منجر شود. اختلاف نظرها در این زمینه نه تنها بر پژوهش‌های رجال‌شناسی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند بر نتایج فقهی و استنباط‌های شرعی نیز تأثیرگذار باشد.

یکی از نشانه‌های رویکردشناسی «افتا به روایت راوی» است که از مصادیق «توثیقات عام» نیز به شمار می‌آید. مقصود آن است که در صورت احراز برخی شرایط، افتای به روایت توثیقی است از سوی مفتی نسبت به برخی یا تمامی راویانش.<sup>۴</sup> پس از یک سوشناسایی رویکرد مفتی درباره روات

۱. از این روی یکی از توثیقات «تنصیص قدما» ذکر شده است (معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۴۱).

۲. دانش رجال الحدیث، ص ۲۲۱.

۳. بنابراین، «تنصیص رجالی» اعم مطلق نسبت به «توثیق و تضعیف خاص» است و اعم من وجه نسبت به «توثیق و تضعیف عام».

۴. مقیاس الهدایة فی علم الدرابة، ج ۲، ص ۲۷۲.

با آن ممکن است و از سوی دیگر تعریف «توثیق عام» بر آن صادق است.

«افتا» خود یکی از شاخه‌های توثیق عام «تصحیح سند» است؛ زیرا «تصحیح سند» به معنای درست‌شماری زنجیره سند یک روایت توسط یک فرد است و برخی آن را کاشف از توثیق وی نسبت به روات سند می‌دانند.<sup>۱</sup> حال، مصحح و درست‌شمار گاه به «درستی» و «صحت» سند تصریح می‌کند و گاه از طریقی دیگر چون تصحیح مروی قابل شناخت است. تصحیح مروی نیز از راه‌هایی قابل شناسایی است، از جمله پاسخ‌دهی و فتوا در مسائل فقهی الزامی بر اساس آن.

#### ۱-۲. مسئله، ضرورت و روش

«یاسین ضریر» از روایانی است که درباره او توثیق و تضعیفی خاص در منابع «حسن پایه» گزارش نشده است، اما روایات او پایه فتوای افرادی شده که احتمال حسن نسبت به ویژگی‌های «یاسین ضریر» را داشته‌اند.

در این نوشته، به بررسی دیدگاه مرحوم خوبی و محقق شبیری درباره دلائل «افتا» به روایت راوی «بر کشف قول رجالی» یا همان «رویکردشناسی» همت شده است. سپس تطبیق این مبنای «اصول علم رجال» بر «یاسین ضریر» پی جویی شده تا روشن شود آیا از طریق افتا می‌توان وثاقت «یاسین» را نزد برخی رجالیان احراز کرد. همچنین، امتداد و تأثیر این مبنا بر فتاوی این دو فقیه نشان داده شده است.

بنابراین، مسئله تحقیق پیش رو کشف مدلول «افتا» است که آیا دال بر توثیق مفتی، مثلاً کلینی، نسبت به راوی است یا مدلولی دیگر دارد؟ اما این که افتای قدما خود مستقیماً موجب توثیق راوی توسط فقیه در عصر کنونی شود، مسئله‌ای دیگر است.<sup>۲</sup>

آیه‌الله خوبی و آیه‌الله شبیری در میان معاصرین از برجستگان در عرصه رجال پژوهی‌اند. از سویی، میزان آثاری که موضوعشان دیدگاه‌های رجالی مرحوم خوبی است، فراوان بوده و از سوی دیگر، به جرات می‌توان گفت نظرات رجالی وی در تمام کتب رجالی پس از ایشان بررسی، تأیید یا نقد می‌شوند. دو پدیده جایگاه فقهی و اصولی او و نیز تألیف کتاب «معجم

۱. منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

۲. فقیه ابتدا اقوال قدما درباره یک راوی را از مسیرهای مختلف، از جمله افتا، کشف می‌کند و در نهایت یا با تجمیع ظنون به اطمینان در توثیق یا تضعیف راوی می‌رسد و یا به اطمینان نمی‌رسد. در این صورت، گاه اقوال را تعبداً می‌پذیرد که پذیرش تعبدی وابسته به مبنای وی در «حجیت قول رجالی» است، و یا شرایط تعبد نیز فراهم نیست که در این صورت صفت راوی مجمل خواهد شد.

رجال الحدیث» بیشترین نقش را در این مرجعیت داشته اند. این مقام باعث شده برخی با تبعیت از مبانی رجالی ایشان، بسیاری از احادیث موجود در جوامع حدیثی شیعی را تضعیف و نامعتبر بشمرند.

آیه الله شبیری نیز به گواه تمامی پژوهشگران این دانش، از یگانه های معاصر در دانش رجال است که به شهادت دو تن اکتفا می شود:

رهبرانقلاب مدظله العالی:

ایشان خبره این کار است؛ اصلاً فن رجال و علم تراجم در دست اوست... آقای شبیری زنجانی واقعاً استاد بزرگ و یکی از محققان بنام حوزه است... نکاتی هست که این آقای زنجانی در رجال می فهمد و آدم می تواند بگوید که لااقل در این زمان احدی غیر از او نمی داند و مخصوص خود ایشان است.<sup>۱</sup>

آیه الله سبحانی:

در زمان کنونی ایشان در زمره دانشمندان به نام علم رجال شمرده می شود که در پژوهش های رجالی به اجتهادات و تحقیقات وی ارجاع و تکیه می شود.<sup>۲</sup>

افزون بر این که محقق شبیری در نقطه مقابل محقق خوبی ایستاده و مبانی او به اعتبار بسیاری از احادیث خواهد انجامید، چرا که وی قرائن متعددی را برای اعتبارسنجی راویان معتقد است. بنابراین، کشف مبانی این دو رجالی و دلایل گزینش آن مبنا بسیار ضروری است. چنان چه ارزشمندی آرای صاحب نظران معاصر مورد توجه قرار گیرد، ضرورت دو چندان این پژوهش به درستی درک خواهد شد؛ زیرا مجتهدین متأخر در ابداع یا اختیار رأی، میراث دار متقدمین بوده و بنابراین پژوهش در زیرساخت های فکری ایشان موجب آشنایی با مبانی و ادله گذشتگان و نقدهای احتمالی درباره آن ها خواهد شد.

این نکته درباره این دو محقق معاصر نیز جاری است، زیرا محقق شبیری در اتخاذ مبانی خود به آرای محقق خوبی توجه داشته و ضمن تقریب و تقریر، آن ها را به چالش کشیده است.

همچنین اموری موجب شد تا توثیق عام «افتا» مورد بررسی قرار گیرد، از جمله:

۱. کمیت بالای آن در شناخت اقوال رجالیان: زیرا رویکرد رجالی ها نسبت به راویان فراوانی با این قرینه قابل کشف است.<sup>۳</sup>

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله العظمی سید علی حسینی خامنه ای (https://khl.ink).

۲. دور الشیعة فی الحدیث و الرجال نشأة و تطور، ص ۴۳۵.

۳. دروس خارج خمس، ج ۱، ص ۹۹.

۲. نقش آن در شناخت رویکرد دو تن از بزرگ‌ترین محدثین و رجالیان یعنی «کلینی» و «صدوق»: چرا که «الکافی» و «من لا یحضره الفقیه» کتاب فتوایی این دو بوده<sup>۱</sup> و از کلام صدوق به دست می‌آید که در «من لا یحضره الفقیه» به دنبال ذکر احادیثی بوده است که درست‌ترین طریق را دارند. همین عبارت موجب توثیق چند راوی توسط مرحوم خوبی شده است که در ادامه خواهد آمد.<sup>۲</sup>

بنابراین، در صورت درستی مبنای «افتا»، دیدگاه این دو درباره روات فراوانی کشف خواهد شد، به ویژه که از متقدمین بوده و احتمال ابتدای داوری آن‌ها بر «حسن» فراوان است. انتخاب «یاسین ضریر» نیز به جهت روشنی تأثیر مبنای «افتا» در توثیق او و همچنین تأثیر روایات او، به ویژه در مسئله «دیون میت» است که در قسمت «نمونه اختلاف‌ها» ذکر شده است.

گردآوری داده‌ها در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای انجام شده و پس از تحلیل دقیق داده‌های به دست آمده، سعی شده است تا آن‌ها را با ساختاری منطقی و منسجم ارائه دهیم. از این رو، در ابتدا مبنای مرحوم خوبی بیان، سپس دیدگاه محقق شبیری ذکر و در ادامه به تأثیر دو دیدگاه در ارزیابی «یاسین ضریر» اشاره و در نهایت نمونه اختلاف‌هایی فتوایی که از تفاوت دیدگاه به «یاسین ضریر» برخاسته است تقدیم شده است.

### ۳-۱. پیشینه تحقیق

با جستجو در منابع، سابقه‌ای برای این پژوهش که به شکل مقایسه‌ای و همچنین بررسی امتداد اختلاف نگاه در فقه باشد، یافت نشد. بلی، دیدگاه مرحوم خوبی درباره افتا را می‌توان در مقدمه «معجم رجال الحدیث» و در بحث «تصحیح سند» ردیابی نمود.<sup>۳</sup> محققین بعد از ایشان نیز به بررسی این نظریه و نقد یا تأیید آن همت کرده‌اند، لکن مقایسه آن با دیدگاه آیه‌الله شبیری نیاز به پژوهش دارد. نگاه محقق شبیری نیز در مباحث مختلف دروس خارج او پراکنده است که نیازمند گردآوری و سپس ارزیابی و رفع برخی تناقضات اولیه است تا بتوان مغز آن را دریافت و سپس به مقارنه آن با مبنای خوبی پرداخت.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۸ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸.

۳. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۷۰.

## ۲. رویکرد محقق خوبی درباره افتا

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، «افتا» به عنوان یکی از شاخه‌های مهم «تصحیح سند» شناخته می‌شود. دلالت افتا بر توثیق، وابسته به دلالت تصحیح سند بر توثیق است. به این معنا که اگر تصحیح سند نتواند به طور قطعی اعتبار و وثاقت روات را اثبات کند، در این صورت دیگر نمی‌توان از قرینیت افتا سخن گفت. به عبارت دیگر، اگر تصحیح سند دچار اشکال باشد، دلالت افتا نیز بر توثیق بی‌معنا خواهد بود.

مرحوم خوبی در مقدمه «معجم رجال» می‌گوید: تصریح یک فرد بر صحت سند دست بالا کاشف از «معمد بودن روات» نزد مصحح است، بنابراین، «افتا» نیز مدلولی بالاتراز «اعتماد به راوی» زیرا «افتا» با واسطه تصحیح مروی، تصحیح سند را نشان می‌دهد، و با توجه به این‌که از نگاه خوبی «اعتماد به راوی» اعم از «احراز وجدانی وثاقت» بوده و با «عدم علم به ضعف و فسق» نیز سازگار است، پس نمی‌تواند «توثیق راوی توسط مفتی» را بیان کند، افزون بر این‌که حتی «معمد بودن راوی» نیز از «افتا» قابل برداشت نیست زیرا افتا نگاه ناشی از تصحیح مروی و معمد بودن روایت آن هم به قرائنی دیگر جز سند است.<sup>۱</sup>

اما چرا «اعتماد به راوی» اعم از «احراز وجدانی وثاقت» بوده و با «عدم علم به ضعف و فسق» نیز سازگار است؟ محقق خوبی در پاسخ می‌گوید: تصحیح سند ملازمه‌ای با توثیق روات آن نداشته و چه بسا از نگاه مصحح معیار تصحیح که در بحث اصولی حجیت خبر واحد به آن پرداخته می‌شود، نه احراز وثاقت بلکه عدم احراز فسق و ضعف باشد، پس احتمال دارد مصحح از جهت عدم احراز ضعف، راوی را معمد و سند را صحیح و درست شمرده<sup>۲</sup> و به عبارتی هرچند موضوع حجیت خبر واحد را ثقه یا عادل می‌داند لکن معتقد است این موارد نیاز به احراز وجدانی نداشته و با اصل نیز قابل احراز است.

این احتمال افزون بر «تصحیح سند» در نگاه خوبی درباره شماری از توثیقات عام چون «استثنای ابن ولید از مشایخ محمد بن احمد بن یحیی»،<sup>۳</sup> «اکثار»،<sup>۴</sup> «شیخ اجازه»<sup>۵</sup> و

۱. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۷۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۰؛ ج ۲۱، ص ۳۱۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۷۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۰؛ ج ۱۶، ص ۹۸.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۹ و ۷۳.

«مشایخ ثقات ثلاث»<sup>۱</sup> نقش داشته است.

خویی نه تنها اعتقاد به «اصالت عدالت» را به عنوان یک احتمال برای خدشه مطرح می‌کند بلکه اعتقاد بسیاری از متقدمین به «اصالت عدالت» را غیر بعید می‌شمارد<sup>۲</sup> البته در این میان تنها برای اثبات این اعتقاد برای علامه که از متأخرین محسوب می‌شود دلیل آورده است چرا که علامه درباره «احمد بن اسماعیل بن سمکه» می‌گوید از آن جا که تنصیبی بر تضعیف یا توثیقش نرسیده است اقوی قبول روایتش است،<sup>۳</sup> خویی از این عبارت نتیجه گرفته است که شاهی بر اعتقاد علامه به «اصالت عدالت» است.<sup>۴</sup>

بنابراین در نگاه مرحوم خویی «تصریح» پیشینیان و پسینیان به «معتد بودن» یک راوی احراز وثاقت راوی توسط گوینده را نمی‌رساند پس روشن تر «تصحیح سند» چنین توانی ندارد چه اولی از مقوله دلائل تطابقی و دیگری التزامی است.

از این رو، در یادکرد «محمد بن اسماعیل» تصریح می‌کند افتای کلینی بر فرض ثبوت به خودی خود دلالتی مقبول بر احراز وثاقت رواات نزد کلینی ندارد.<sup>۵</sup>

ناگفته نماند محقق خویی می‌گوید: اگر هم این قرینه را بپذیرفتیم باید دو شرط رعایت شود: فتوا باید در امور الزامی بوده و طریقی دیگر به آن روایت وجود نداشته باشد.<sup>۶</sup>

البته درباره دلائل بالعرض افتا یا تصحیح بر توثیق، مبنایش در «حجیت ظن در رجال» را تطبیق داده معتقد است اگر اولاً قطع یا اطمینان حاصل شود و یا از سخنان خود مفتی یا فردی دیگر<sup>۷</sup> به عنوان توثیقی عام برداشت شود که مفتی احراز وثاقت را در زنجیره راویان سند معتبر می‌داند و ثانیاً در فتوای محل بحث از جهت وثوق مخبری به روایت اعتماد کرده است در این فرض می‌توان برای افتا قرینیت قائل شد.

این نگاه محقق خویی در مدخل «ابوالحسین اسدی» آن هم در کشف «صحت مذهب» قابل ردیابی است زیرا معتقد است از فتوای صدوق طبق خبر «محمد بن جعفر ابوالحسین

۱. و ثانیاً: فرضنا أن التسوية المزبورة ثابتة ... (همان، ج ۱، ص ۶۲).

۲. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۲، ص ۲۶۵.

۳. ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۶۶.

۴. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۲، ص ۵۷.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۹۹.

۶. همان، ج ۱۶، ص ۹۹.

۷. مانند آن که یکی از شاگردان مفتی خبر دهد: استادم مادامی که وثاقت رواات را احراز نمی‌کرد، طبق روایت فتوا نمی‌داد.

اسدی» صحت مذهب وی نزد صدوق کشف می شود<sup>۱</sup> چه از کلمات صدوق به دست می آید<sup>۲</sup> که طبق روایت واقفیه فتوا نمی دهد<sup>۳</sup>.

بنابراین در نگاه مرحوم خوبی افتنا اگر بر پایه تصحیح سند بوده (راوی محوری) و نه صحت روایت (قرینه محوری - وثوق صدوری)، می تواند کاشف از «قول رجالی» باشد لکن مکشوف «اعتماد به راوی» است و نه «وثاقت»؛ پس برای آن دسته از مراجعین به «قول رجالی» مفید و با مطلوبشان سازگار است که برای کشف «عدم علم رجالی به ضعف راوی» به داده های رجالی مراجعه کرده اند و نه برای کشف «احراز وثاقت راوی نزد رجالی» و محقق خوبی خود برای مقصود دوم به رجال مراجعه می کند زیرا موضوع حجیت خبر در نزد او خبر گزارشگری است که وثاقت یا مدحش احراز شده باشد.<sup>۵</sup>

با این وجود ظاهراً مرحوم خوبی این دیدگاه در «تصحیح سند» را پاس نداشته آن جا که «صدوق» در چرایی ذکر زیارتنامه ای در «من لا یحضره الفقیه» می گوید «زیرا درست ترین زیارتنامه ها از زاویه طریق است»<sup>۶</sup> و مرحوم خوبی از این گفتار نتیجه گرفته تمام روایانش از نگاه صدوق ثقه بوده اند نه صرف «معتمد» و از این راه معتقد به احراز وثاقت «قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد» و جدش «حسن بن راشد» نزد صدوق شده است،<sup>۷</sup> با آن که در مقدمه «معجم رجال» تصریح می کند تصحیح صدوق چنین بهره ای ندارد.<sup>۸</sup>

باید دقت داشت که نمی توان چنین از خوبی دفاع کرد: تعبیر «اصح طرق» با احراز وثاقت از مسیر اصالت عدالت نمی سازد لذا انتخاب این تعبیر از سوی صدوق موجب شده تا خوبی مطمئن شود که وثاقت این دو نزد صدوق وجدانی احراز شده است. زیرا در پاسخ گفته می شود: «اصح» افضل تفضیل است پس هرگاه سند یک روایت

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۶، ص ۱۷۸.

۴. در این جا به دنبال کشف دیدگاه مرحوم خوبی هستیم، اما این که صدوق در چه زمانی بر طبق روایت واقفیه فتوا نمی دهد آیا مطلقاً یا در متفردات یا تنها هنگام تعارض بحثی خارج از موضوع این نوشته است.

۵. موسوعه الامام الخونی، ج ۲، ص ۲۶۴؛ ج ۲۲، ص ۲۶۵؛ ج ۴۷، ص ۲۲۳؛ ج ۴۹، ص ۵۹؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۴۱.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸.

۷. موسوعه الامام الخونی، ج ۱۵، ص ۱۸۰؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۵، ص ۶۸.

۸. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱، ص ۷۱.

نسبت به دیگر اسناد نوعی برتری داشته باشد می توان از «اصح» بهره برد به عنوان مثال یک نوع برتری را چنین می توان تبیین کرد: اگر برای تصحیح سند روایت الف، در دو راوی اصالت عدالت جاری شده و در روایت ب، در سه راوی اصالت عدالت جاری شده باشد، سند اول اصح خواهد بود زیرا استفاده کمتری از اصل کرده و اعتماد بیشتری به وجدان داشته است؛ حال به جهت شبهه موضوعیه نمی دانیم در کدام روایات اصالت عدالت جاری شده پس نمی توان احراز وثاقت «حسن بن راشد» را وجدانی دانست.

### ۳. رویکرد محقق شبیری درباره افتا

محقق شبیری با پاسخ به اشکال مرحوم خوبی «تصحیح سند» را به عنوان قرینه ای بر وثاقت راوی نزد متقدمین<sup>۱</sup> می پذیرد. وی معتقد است اکثر پیشینیان ثقه مدار بوده و پیرامون شیوخ ثقه می چرخیده اند.<sup>۲</sup> لذا احراز وثاقت و راستگویی را لازم دانسته و اعتقادی به اصالت وثاقت نداشته اند.<sup>۳</sup> از این رو، معتقد است و «تصحیح» به روشنی پرده از وثاقت راویان سند برمی دارد و نسبت به «افتا» - که شاخه ای از تصحیح است - با ذکر شروطی قرینیت فتوای فقهی را بر وثاقت راوی نزد مفتی می پذیرد: اولاً راوی به شکل معتبر تضعیف نشده باشد؛ ثانیاً در ابواب مختلف بر پایه روایات او فتوای فقهی الزامی داده باشند به شکلی که دلیلی دیگر بر فتوا مانند اعتماد به اصل در کار نباشد، ثالثاً جز سند قرائن دیگری بر درستی روایت نباشد تا وثوق صدور منتهی باشد. به عنوان مثال، قرائن عقلی در میان نبوده یا روایات دیگری با همان مضمون وارد نشده باشد.<sup>۴</sup> در این صورت، افتا بر پایه روایت برابر با تصحیح مروی از ناحیه سند است و از دیدگاه آقای شبیری تصحیح روایت از ناحیه سند توسط قدمای

۱. تأکید محقق بر «متقدمین» می تواند دو علت داشته باشد: نخست، به دلیل مبنای وی در بحث «رویکرد پذیری»، که بر اساس آن نقل و نظر متقدمین معیار قابل اعتماد برای ارزیابی است و دیدگاه متأخران، به سبب فاصله زمانی و تغییر شرایط، از اعتبار کمتری برخوردار است. دوم، به سبب اعتقاد برخی متأخرین به «اصالت عدالت» راوی، که بر این اساس، کمتر به تحلیل و ارزیابی دقیق متقدمین توجه شده و عدالت راوی پیش فرض گرفته می شود. در نتیجه، تأکید محقق بر متقدمین هم بازتابی از رویکرد پژوهشی اوست و هم مرتبط با تفاوت دیدگاه های نظری میان متقدمین و متأخرین.

۲. چرایی این باور در ادامه می آید.

۳. کتاب حج، ج ۸، ص ۶۷؛ ج ۱۱، ص ۲۳۹؛ ج ۱۳، ص ۱۴؛ و دروس خارج اصول، ج ۱، ص ۵۳۰؛ و «وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بنظری بر پایه توثیق عام طوسی در عهد»، ص ۱۸.

۴. کتاب اجاره، ص ۵۰ و ۵۸؛ و کتاب حج، ج ۹، ص ۱۰۳؛ ج ۱۸، ص ۱۸۳.

به معنای «احراز وثاقت» روات نزد مصحح است.

مقصود از شرط دوم آن است که باید فتوای به تک روایت راوی آن هم با شروط مذکور در ابواب مختلف و مسائلی گوناگون تکرار شده باشد؛ یعنی در مسئله ای از کتاب طهارت تنها یک روایت آن هم از این راوی آمده که مورد فتوا واقع شده و شرایط دیگر نیز رعایت شده باشد، و این تک روایت بودن در چند مسئله فقهی الزامی دیگر نیز تکرار شده باشد. البته از کلمات آقای شبیری به دست می آید که این شرط موضوعیت نداشته و طریقی برای احراز شرط سوم است؛ زیرا با این تکرار احتمال وجود قرائن خارجی در تمام موارد بسیار ناچیز خواهد شد و مانع حصول «اطمینان» نمی شود. بنابراین، تعبیر صحیح طبق مبنای محقق شبیری «افتا به روایات راوی» است و نه «افتا به روایت».

این محقق به شکل ویژه درباره کشف توثیق کلینی و صدوق نسبت به یک راوی بر پایه قرینه افتا راهکار زیر را ارائه می دهد: اگر درون مایه گزارش راوی گزاره ای الزامی-فقهی بوده، تک روایت در آن مسئله باشد و هیچ شاهد خارجی نیز وجود نداشته باشد، نقل روایت توسط کلینی یا صدوق، علامت صحت روایت آن هم از ناحیه راویان نزد کلینی یا صدوق است،<sup>۱</sup> این دلالت به شکل عرضی و نه ذاتی و ناشی از وعده این دو در مقدمه کتاب هایشان است،<sup>۲</sup> به ویژه که هر کدام راوی شناسی کم مانند بوده اند.<sup>۳</sup>

اما در روایاتی با موضوع اعتقادی، اخلاقی، فقهی استحبابی یا فقهی الزامی که همراه روایاتی دیگر است و یا قرائنی خارجی بر صحتش وجود دارد چنین قرینیتی وجود ندارد.

لکن به چه دلیل شبیری معتقد است متقدمین احراز وثاقت را لازم دانسته، در تصحیح و افتا به «اصالت وثاقت یا عدالت» استناد نکرده اند؟ به عبارت دیگر، مبانی در اعتماد به راوی درست در احراز وثاقت نیست. پس این محقق به چه دلیل اعتمادی که از افتا کشف شده است را ملازم با توثیق می داند؟

۱. کتاب حج، ج ۱۴، ص ۴۴، ۶۳، ۱۱۱؛ کتاب اجاره، ص ۵۶؛ دروس خارج نکاح، ج ۲، ص ۶۰۳؛ دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳. صدوق علاوه بر مقدمه در بحث زیارت امام حسین علیه السلام عبارتی دارد که نشان دهنده اهتمام وی به طریقی روایات وارد در «من لا یحضره الفقیه» است: «وَقَدْ أُخْرِجَتْ فِي كِتَابِ الزِّيَارَاتِ وَ فِي كِتَابِ مَقْتَلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنْوَاعاً مِنَ الزِّيَارَاتِ وَ اخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرِّوَايَةِ وَ فِيهَا بَلَاغٌ وَ كِفَايَةٌ» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸).

۳. دروس خارج نکاح، ج ۳، ص ۱۲۵۸.

### اولاً شبیری در نفی استدلال خوبی می‌گوید:

دلیلی بر ادعای خود اقامه نکرده و شواهد او نیز درباره علامه است که از متأخرین بوده و توصیفاتش اجتهادی است، علاوه بر آن شواهد خوبی نمی‌تواند اعتقاد علامه به اصالت عدالت را اثبات کند زیرا چه بسا توثیق «اسماعیل بن احمد بن سمکه» از سوی علامه نه به جهت عمل به اصالت عدالت، بلکه بر پایه توصیفات است که در شأن وی در کتب رجال نقل شده است و بر جلالت قدر او دلالت داشته است.<sup>۱</sup>

ثانیاً از لابه لای کلمات آقای شبیری می‌توان چنین استدلالی را استخراج نمود:

۱. یکی از اوصاف موجود در کتب رجال مذمت فرد به «یروی عن الضعفاء» است؛
۲. برخی از متقدمین چون ابن ولید یقیناً احراز عدالت را شرط می‌دانسته‌اند و معتقد به اصالت عدالت نبوده‌اند که از مطالعه احوال حدیثی آن‌ها به دست می‌آید؛<sup>۲</sup>
۳. اگر طبق گفتار مرحوم خوبی اکثر قداما معتقد به اصالت عدالت بوده‌اند پس باید از افراد مهمل با اتکا بر اصالت عدالت نقل حدیث کرده باشند؛
۴. در این صورت اکثر قداما از نگاه ابن ولید «یروی عن الضعفاء» خواهند بود؛
۵. تعداد افرادی که توصیف به «یروی عن الضعفاء» شده‌اند و یا به ابن ولید و امثال او نسبت داده شده که فلانی را متهم به «یروی عن الضعفاء» کرده است، بسیار کم است. ریشه‌های استدلال فوق را می‌توان در این موارد یافت، وی در جایی می‌گوید: اکثر پیشینیان احراز وثاقت و راستگویی را لازم دانسته، زیرا ریشه روی آوردن یک راوی به گزارش از ضعف امور است: یا خوش باور است و یا مبنایی نادرست چون اصالت عدالت را پذیرفته و یا به دنبال جامع‌نگاری است. پس هرگاه دیگرانی که قائل به اصالت عدالت نبوده‌اند، چون ابن ولید، صدوق، نجاشی، طوسی و غضائری به مکثی برچسب «یروی عن الضعفاء» زدند، نشان از آن دارد که وی نه «خوش باور» است، نه معتقد به «اصالت عدالت» و نه «جامع‌نگار».<sup>۳</sup>

۱. «تثبیت شهادت شیخ طوسی به وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزظی»، ص ۱۸؛ دروس خارج اصول، ج ۱، ص ۵۳۰.

۲. دروس خارج صوم، ج ۵، ص ۱۴۰؛ و دروس خارج نکاح، ج ۳، ص ۱۸۰۵.

۳. دروس خارج نکاح، ج ۳، ص ۸۷۶ و ۱۸۰۵؛ «ارزیابی وثاقت مشایخ محمد بن احمد بن یحیی، بر پایه توثیق ابن ولید»، ص ۱۵ پانویشت دو.

نیز در بحث اکثار می‌گوید: اولاً روش متعارف در اعتماد به یک راوی و سپس روایات او احراز وثاقت در نزد اعتمادکننده بوده و میان اعتبار راوی و وثاقت او تلازمی متعارف، عادی و عرفی برقرار است، ثانیاً عقلاً هرگاه روش متعارف را درنوردند گوشزد می‌کنند، مانند روش عقلاً در اخبار از روی «حس» که اگر مخبر آن را رعایت نکرده از روشی دیگر کسب خبر کرده باشد به آن تذکر می‌دهد. از این رو است که هنگام دودلی میان حدس و حس «حس» مقدم است؛ ثالثاً فرض آن است که مکرر سخنی از ضعف مکرر عننه به زبان نیاورده است. پس نشان می‌دهد همان روش متعارف را طی نموده است.<sup>۱</sup>

ثالثاً، یکی از نکوهش‌ها «يعتمد على المراسيل» است. حال اگر اکثر قدماء معتقد به اصالت عدالت بودند، نباید اعتمادکننده به مراسیل را مذمت می‌کردند؛ زیرا چه بسا وجه اعتماد او به «بعض» و «بعض رجاله» اجرای اصالت عدالت نسبت به این فرد بوده است.<sup>۲</sup> رابعاً بر فرض که بپذیریم اکثر متقدمین باور به اصالت عدالت داشته‌اند، لکن در بسیاری از موارد مانع کشف توثیق مفتی نسبت به راوی نمی‌شود؛ زیرا اصالت عدالت در حق راوی ای جاری می‌شود که برای مفتی مشکوک باشد؛ حال آن‌که بسیاری از مفتیان هم عمرو بلکه از خویشان راوی بوده‌اند و در این موارد عدم شناخت معنا نداشته و می‌توان از فتوا توثیق را کشف نمود.<sup>۳</sup>

پس محقق شبیری اشکالی بر سازگاری این «نشانه» با کشف توثیق راوی توسط مفتی نمی‌بیند، اما آیا آقای شبیری از مفتی در توثیق پیروی می‌کند یا خیر در مباحث «حجیت قول رجالی» که می‌توان از آن تعبیر به «رویکردپذیری» کرد بررسی می‌شود، لکن از موضوع این نوشته خارج است. البته به شکل خلاصه در ادامه و در چرایی پذیرش وثاقت «یاسین ضریر» توسط محقق شبیری به برخی مبانی ایشان در «حجیت قول رجالی» اشاره خواهد شد.

#### ۴. نقش توثیق عام افتا در ارزیابی یاسین ضریر

پذیرش این توثیق عام در ارزیابی شماری راوی از جمله «یاسین ضریر» مؤثر است. از این رو، دیدگاه آیه‌الله خوبی با آیه‌الله شبیری درباره او متفاوت است. وجه ضعف «یاسین ضریر»

۱. دروس خارج نکاح، ج ۳، ص ۸۷۶ و ۱۸۰۵؛ «ارزیابی وثاقت مشایخ محمد بن احمد بن یحیی، بر پایه توثیق ابن ولید»، ص ۱۳.

۲. کتاب حج، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

۳. دروس خارج خمس، ج ۲، ص ۷۱۲.

نزد مرحوم خوینی «عدم توثیق» وی بوده، چه توثیقی خاص یا عام که برمبنای خوینی معتبر باشد، درباره «یاسین ضریر» وارد نشده است،<sup>۱</sup> لکن آقای شبیری براساس دو مبنای «افتا» و «اکثار»، به کشف اقوال برخی رجالیان درباره «یاسین ضریر» پرداخته است و سپس به «وثاقت» و «استواری» وی باور یافته است.

وی از یک سو با تکیه بر «افتا» و احراز شروط آن درباره «یاسین ضریر» به «رویکردشناسی» و «کشف قول» افرادی چون «کلینی»، «صدوق» و «طوسی» پرداخته و معتقد است که «یاسین ضریر» نزد ایشان ثقة بوده است؛ چرا که براساس تک روایات او در ابواب مختلف فتوا داده‌اند.<sup>۲</sup>

برای نمونه، کلینی در باب «بَابُ حَدِّ مَوْضِعِ الظُّوْفِ» و نیز باب «بَابُ مَنْ ادَّعَى عَلَيَّ مَيِّتٍ» تنها یک روایت ذکر کرده که از «یاسین ضریر» است. صدوق نیز در باب «بَابُ الْحُكْمِ بِالْيَمِينِ عَلَيَّ الْمُدَّعَى عَلَيَّ الْمَيِّتِ حَقًّا بَعْدَ إِقَامَةِ الْبَيْتَةِ» تنها همان تک روایت یاسین را آورده است، که در بحث «نمونه اختلاف‌های فتوایی» ذکر خواهند شد. طوسی در التهذیب روایت یاسین درباره محدوده طواف را آورده<sup>۳</sup> و در المبسوط طبق آن فتوا داده است.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر، طبق نقل نجاشی و طوسی «محمد بن عیسی بن عبید» کتاب وی را نقل کرده<sup>۵</sup> که مصداقی از «اکثار» است؛ زیرا مشتمل بر شمار بالایی حدیث است. از این طریق وثاقت «یاسین ضریر» نزد «محمد بن عیسی» کشف می‌شود.<sup>۶</sup>

حال پس از کشف توثیق افرادی چون کلینی، صدوق، طوسی و محمد بن عیسی نسبت به یاسین ضریر، محقق شبیری از چند مسیر به اتخاذ مبنا درباره یاسین ضریر می‌پردازد:

الف) شبیری بر این باور است که خیر عدلین در موضوعات محسوس و نزدیک به حس، دارای حجیت است. این دیدگاه به این معنا است که در مواردی که احتمال وجود شاهد حسی برای تأیید خبر وجود دارد، می‌توان به این اخبار اعتماد کرد.

به عبارت دیگر، زمانی که موضوعات مورد بحث به طور مستقیم با تجربه‌های حسی و

۱. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۴، ص ۳۰۴؛ ج ۲۹، ص ۴۶.

۲. کتاب حج، ج ۹، ص ۱۰۳؛ ج ۱۱، ص ۲۳۹؛ ج ۱۴، ص ۶۲؛ دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۶.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۸.

۴. المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۳۵۷.

۵. رجال النجاشی، ص ۴۵۳؛ فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۵۱۹.

۶. کتاب حج، ج ۹، ص ۱۰۳؛ دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۶.

مشاهدات روزمره مرتبط هستند، اخبار صادره از دو فرد عادل می تواند به عنوان منبعی معتبر تلقی شود.<sup>۱</sup>

در بحث کنونی پس از کشف دیدگاه کلینی، صدوق، طوسی و محمد بن عیسی بن عبید بروثاقت یاسین ضریر صغرای بحث خبر عدلین منعقد می شود.

ب) همچنین وی اطمینان نوعی را حجت می داند.<sup>۲</sup> با اطلاع از دیدگاه مثبت چهارتن از رجال شناسان درباره یاسین ضریر، نوع افراد اطمینان به وثاقت او پیدا می کنند.

ج) از سوی دیگر، آقای شبیری به این نکته تأکید دارد که حجیت مطلق ظن قوی نوعی در رجال به دلیل انسداد، قابل قبول است.<sup>۳</sup> با اطلاع از دیدگاه مثبت چهارتن از رجال شناسان درباره یاسین ضریر، نوع افراد اگر اطمینان به وثاقت او پیدا نکنند، یقیناً ظن قوی به وثاقت او حاصل می کنند.

نکته قابل توجه آن که اگر مبنای «اکثار» و کشف دیدگاه محمد بن عیسی بن عبید نیز در کار نبود، افتا به تنهایی برای تمام مبانی فوق صغراسازی کرده و به وثاقت یاسین ضریر نزد آقای شبیری منتهی می شد. از این رو، در برخی جلسات درس خارج ایشان تنها به بحث افتا اکتفا شده و از اکثار سخنی نیامده است.<sup>۴</sup>

## ۵. نمونه اختلاف های فتوایی

ناهمسویی در ارزیابی «یاسین ضریر» به اختلاف فتوای خوبی و شبیری انجامیده که به دو نمونه اشاره می شود:

۱-۵. **محدوده طواف** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 آیا طواف، آن هم در زمان اختیار باید میان کعبه و مقام ابراهیم انجام شود و یا فراتر از مقام ابراهیم تا هر محدوده ای که از نگاه عرف «طواف به بیت» صدق کند نیز جایز است؟  
 مرحوم خوبی معیار را نگاه عرف می داند؛ چه تا زمانی که دلیلی خاص و معتبر در این

۱. «انسداد از دیدگاه آیه الله العظمی شبیری زنجانی»، ص ۲۲.

۲. دروس خارج خمس، ج ۱، ص ۱۰۶ و؛ دروس خارج صوم، ج ۳، ص ۲۸۸.

۳. دروس خارج خمس، ج ۳، ص ۳۵۱ و ۵۹۵؛ دروس خارج نکاح، ج ۶، ص ۴۶۷ و؛ دروس خارج بیع، ج ۲، ص ۹۸۵ و؛ دروس خارج اصول، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۳۴۴ و ۴۱۴؛ علم درایه رجال و تراجم، ص ۱۶ و؛ دروس خارج صوم، ج ۳، ص ۴۰.

۴. کتاب حج، ج ۱۱، ص ۲۳۹؛ ج ۱۴، ص ۶۲.

موضوع وارد نشده باشد، باید به عرف مراجعه کرد،<sup>۱</sup> اما محقق شبیری محدوده را تنها میان کعبه و مقام دانسته، طواف در غیر این محدوده، آن هم در زمان اختیار را باطل می‌شمرد؛ چرا که معتقد به وجود دلیل خاص و معتبر در این موضوع است.<sup>۲</sup> خاستگاه اختلاف نیز روایت «محمد بن مسلم»<sup>۳</sup> بوده که محدوده طواف در زمان اختیار را میان کعبه و مقام معین کرده است و مرحوم خوئی آن را نامعتبر و آقای شبیری معتبر شمرده است. سند این روایت در نگاه مرحوم خوئی از ناحیه «یاسین ضریر» مخدوش و از نگاه آقای شبیری صحیح است.

### ۵-۲. جریان استصحاب برای احراز عدم پرداخت دیون متیقن میت

اگر در گذشته و قبل از مرگ یقین عرفی (نه شرعی مانند بینة) به اشتغال ذمه میت بر یک دین مالی حاصل شده، لکن پرداخت آن پیش از مرگ مشکوک باشد، آیا می‌توان بقای دین را استصحاب کرد؟

مرحوم خوئی در فرض مسئله که اولاً یقین به انتقال دین به ذمه حاصل است و ثانیاً یقین سابق با بینة به دست نیامده، معتقد است می‌توان با «استصحاب» عدم پرداخت را احراز کرد و همان کافی است.<sup>۴</sup>

آقای شبیری می‌گوید استصحاب به سبب تخصیص جاری نیست و برای استحقاق دین نیاز به «یمین» است.<sup>۵</sup>

منشأ اختلاف نیز اعتبار سند روایت «عبدالرحمن»،<sup>۶</sup> به جهت وجود «یاسین ضریر» است

۱. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۹، ص ۴۶.

۲. کتاب حج، ج ۱۴، ص ۷۴؛ درس خارج بیع، ج ۲، ص ۱۱۳۰.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى وَ عَمْرُوهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ، عَنْ حُرَيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَذِّ الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مِنْ خَرَجٍ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالْبَيْتِ قَالَ كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَالْمَقَامِ وَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مَوْضِعَ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاؤَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَالْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَالْيَوْمَ وَاجِدَ قَدْرَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَبْعَدَ مِنْ مَقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بِغَيْرِ النَّبْتِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدِّ وَ لَا طَوَافَ لَهُ (الكافي، ج ۴، ص ۴۱۳).

۴. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۲، ص ۲۲۳؛ ج ۲۴، ص ۲۹۸؛ ج ۴۱، ص ۲۴.

۵. درس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۵.

۶. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ لِلشَّيْخِ رحمته الله حُرَيْزِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الرَّجُلِ يَدْعِي قَبْلَ الرَّجُلِ الْحَقِّ فَلَا يَكُونُ لَهُ تَبَتُّهُ بِمَا لَهُ قَالَ فَيَمِينُ «الْمَدْعَى عَلَيْهِ» فَإِنْ حَلَفَ فَلَا حَقَّ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَخْلِفْ فَعَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ الْمَطْلُوبُ بِالْحَقِّ قَدْ مَاتَ فَأَقِيمَتْ عَلَيْهِ الْبَيْتَةُ فَعَلَى الْمَدْعَى الْيَمِينُ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَقَدْ مَاتَ فَلَانُ وَإِنْ حَقَّ لَعَلَيْهِ فَإِنْ حَلَفَ وَإِلَّا فَلَا حَقَّ لَهُ لِأَنَّا لَا نَدْرِي نَعْلَهُ ←

که حکم به عدم جریان استصحاب و لزوم یمین می‌کند. خویی همانند شبیری پذیرفته است که متن این روایت بر عدم جریان استصحاب نسبت به دیون میت دلالت می‌کند (تخصیص)، اما در سند اشکال می‌کند.

این اختلاف در چند فرع فقهی تأثیر گذاشته است:

۱. دین شخصی با وجود طلبکار مشروط به تیقن عرفی: مرحوم خویی حکم به جریان استصحاب عدم پرداخت نموده و طلبکار را مستحق دین شمرده،<sup>۱</sup> لکن محقق شبیری طبق مفاد روایت اولاً استصحاب را جاری ندانسته و ثانیاً «یمین» را شرط استحقاق طلبکار نسبت به دین می‌داند.<sup>۲</sup>

۲. انتقال زکات قبل از مرگ به ذمه میت و شک در ابرای ذمه: مرحوم خویی با جریان استصحاب حکم به اشتغال ذمه میت کرده،<sup>۳</sup> لکن محقق شبیری از یک سواستصحاب را جاری نمی‌داند و از سوی دیگر وظیفه‌ای را متوجه ورثه نمی‌گرداند؛ زیرا فردی در مقابل نیست تا ملزم به «یمین» شود.<sup>۴</sup>

همچنین برخی با استناد به روایت فوق و الغای خصوصیت، قصد اثبات عدم استصحاب در واجبات فائمه متیقن میت را داشته‌اند که محقق خویی<sup>۵</sup> و شبیری<sup>۶</sup> با آن مخالفت نموده و تعدی از مورد روایت را جایز ندانسته‌اند.

قید «حصول یقین عرفی» بدان جهت آمده که یقین به اشتغال ذمه، اگر با «بینه» اثبات شود، ذیل روایت «صفار»<sup>۷</sup> قرار می‌گیرد و فتوا متفاوت خواهد بود که خارج از موضوع این نوشته است.

→ قَدْ أَوْفَاهُ بِبَيْتِهِ لَا نَعْلَمُ مَوْضِعَهَا أَوْ بَعِيرٍ بَيْتَهُ قَبْلَ الْمَوْتِ فَمِنْ ثَمَّ صَارَتْ عَلَيْهِ الْيَمِينُ مَعَ الْبَيْتَةِ فَإِنْ ادَّعَى بِهَا بَيْتَهُ فَلَا حَقَّ لَهُ لِأَنَّ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ «لَيْسَ بِحَقِّي وَ لَوْ كَانَ حَيًّا لِأَنَّهُ لَأَلِيمٌ الْيَمِينِ أَوْ الْحَقُّ أَوْ يَرُدُّ الْيَمِينِ عَلَيْهِ فَمِنْ ثَمَّ لَمْ يُبَيِّتْ لَهُ الْحَقُّ (الكافي، ج ۷، ص ۴۱۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۶۳).

۱. موسوعة الامام الخوئي، ج ۴۱، ص ۲۴.
۲. دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۵.
۳. موسوعة الامام الخوئي، ج ۲۴، ص ۲۹۸.
۴. دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۵.
۵. موسوعة الامام الخوئي، ج ۲۲، ص ۲۲۴.
۶. دروس خارج صوم، ج ۴، ص ۹۶۶.
۷. كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارُ عليه السلام إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: هَلْ تُقْبَلُ شَهَادَةُ الْوَصِيِّ لِلْمَيْتِ بِدَيْنٍ لَهُ عَلَى رَجُلٍ مَعَ شَاهِدٍ آخَرَ عَدَلٍ فَوَقَّعَ عليه السلام إِذَا شَهِدَ مَعَهُ آخَرَ عَدَلٍ فَعَلَى الْمُدَّعَى يَمِينٌ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ يَجُوزَ لِلْوَصِيِّ أَنْ يَشْهَدَ لِوَارِثِ الْمَيْتِ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا بِحَقِّي لَهُ عَلَى الْمَيْتِ أَوْ عَلَى غَيْرِهِ وَ هُوَ الْقَابِضُ لِلْوَارِثِ الصَّغِيرِ وَ لَيْسَ لِلْكَبِيرِ بِقَابِضٍ: فَوَقَّعَ عليه السلام: نَعَمْ وَ يَتَّبَعِي لِلْوَصِيِّ أَنْ يَشْهَدَ بِالْحَقِّيِّ وَ لَا يَحْتُمُّ شَهَادَتَهُ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَنْ تُقْبَلَ شَهَادَةُ الْوَصِيِّ عَلَى الْمَيْتِ بِدَيْنٍ مَعَ شَاهِدٍ آخَرَ عَدَلٍ فَوَقَّعَ عليه السلام نَعَمْ مِنْ بَعْدِ يَمِينٍ (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۷۳).

## ۶. نتیجه‌گیری

مسأله اصلی تحقیق، بررسی دلالته «افتا به روایات راوی» بر وثاقت راوی نزد مفتی و شرایط تحقق این دلالته از دیدگاه آیه‌الله خویی و آیه‌الله شبیری زنجانی بود. دیدگاه آیه‌الله خویی:

۱. افتای مطابق روایت را نشانه «اعتماد مفتی به روایات» یا «اعتماد مفتی به راوی» می‌داند، نه دال بر «توثیق مفتی نسبت به راوی».
  ۲. وی میان «اعتماد به راوی» و «توثیق راوی» تمایز قائل است.
  ۳. از آن جایی که موضوع حجیت خبر در نزد او، خبر ثقه یا ممدوح است، کشف «اعتماد» برای او فاقد نفع در تعیین حجیت خبر است.
- دیدگاه آیه‌الله شبیری زنجانی:

۱. با شروطی، قرینت اعتماد مفتی را به توثیق راوی می‌پذیرد.
  ۲. بر این اساس، برخلاف خویی، به وثاقت راوی یاسین ضریر نزد کلینی، صدوق، طوسی و دیگران معتقد است.
  ۳. با استناد به حجیت خبر عدلین و حجیت اطمینان نوعی و مطلق ظن قوی در رجال، یاسین ضریر را از باب انسداد خود توثیق کرده است.
- این تفاوت رویکرد میان خویی و شبیری، به ناهم‌سویی در برخی مسائل فرعی فقهی مانند حدود طواف و جریان استصحاب برای احراز عدم پرداخت دیون متیقن میت منجر شده است.

## کتابنامه

- آشنایی با اصول علم رجال، سید علی دلبری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم، ۱۳۹۵ ش.
- استناد در روش شناخت رجال اسناد، جمعی از محققین با اشراف سید محمد جواد شبیری زنجانی، قم، انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۲ ش.
- ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، علامه حسن بن یوسف حلی، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

- دانش رجال الحدیث، محمد حسن ربانی بیرجندی، مشهد، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.
- دروس خارج اصول، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- دروس خارج بیع، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- دروس خارج خمس، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- دروس خارج صوم، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- دروس خارج نکاح، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- دور الشیعة فی الحدیث و الرجال نشأة و تطورا، جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵ش.
- علم درایه رجال و تراجم، سید موسی شبیری زنجانی، مقرر: مرتضی قاسمی کاشانی، کاشان، محتشم، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- فرائد الأصول، مرتضی بن محمد امین انصاری، قم، مجمع الفکر الإسلامی، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.
- فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب اجاره، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، یک جلد، بی تا.
- کتاب حج، سید موسی شبیری زنجانی، قم، مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام وابسته به دفتر آیه الله العظمی شبیری زنجانی، بی تا.
- المبسوط فی فقه الامامیة، محمد بن حسن طوسی، تهران، مکتبه المرتضویة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم خویی، بی جا، بی نا، ۱۳۷۲ ش. مقباس الهدایة فی علم الدراية، عبدالله مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

من لا يحضره الفقيه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.

منتهی المقال فی أحوال الرجال، محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

موسوعة الامام الخوئی، سید ابوالقاسم خویی، قم، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

«ارزیابی وثاقت مشایخ محمد بن احمد بن یحیی بر پایه توثیق ابن ولید»، سید موسی شبیری زنجانی و علی خالق پور، پژوهش های رجالی، ش ۲، ۱۳۹۸ ش.

«انسداد از دیدگاه آیه الله العظمی شبیری زنجانی»، مهاجری اصغری و سنایی، پژوهش های فقهی تا اجتهاد، ش ۱۲، ۱۳۹۳ ش.

«تثبیت شهادت شیخ طوسی به وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر»، صفوان و بزنتی، سید موسی شبیری زنجانی، روح الله شعبانی، داود عابدی اردکانی و میثم جواهری، پژوهش های رجالی، ش ۴، ۱۴۰۰ ش.

«وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنتی بر پایه توثیق عام طوسی در عده»، سید موسی شبیری زنجانی، روح الله شعبانی، داود عابدی اردکانی و میثم جواهری، پژوهش های رجالی، ش ۳، ۱۳۹۹ ش.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیه الله العظمی سید علی حسینی خامنه ای (https://khl.ink).

پرتال جامع علوم انسانی